

مربیان گمراه!

«درب‌های دانشگاه بروی جوانان باز شد . . . در نخستین کنکور دانشگاه قریب ۷ هزار نفر دختر و پسر شرکت کردند . . . دانشگاه تهران در آن روز علاوه بر محل انجام کنکور بديک «نمایشگاه مد!» تبدیل شده بود . . . در بین دختران فرم‌های مختلف وجدید لباس و آرایش موی سر بچشم میخورد! . . . پسرها هم برای اینکه از این قافله عقب نمانند در پوشیدن پیراهنهای رنگارنگ از یکدیگر پیشی گرفته بودند!.

سؤالات متعددی برای آزمایش اطلاعات عموم شرکت کنندگان

تهیه شده بود از جمله اینکه:

از کدامیک از ستاره‌های سینما خوششان می‌آید؟

از کارگردان‌هایی که سوژه آنها مورد علاقه شماست اسم

ببرید! . . .

از اشکالاتی که در آزادی معاشرت دختران و پسران

وجود دارد ناراضی هستید؟

آیا حاضرید بازی باورق را صرف رادیو و تلویزیون کنید؟

وسؤالات دیگر،

«نقل از اطلاعات ۳۶۳»



زلزله اخیر در اطراف قزوین وسواه هنگامه عجیبی برپا کرد و تلفات وخسارات فوق‌العاده‌ای پی‌آورد، هزاران نفر از افراد زحمتکش و خدمتگذار کشور ما را از میان

برد و ملیونها ثروت رانا بود ساخت ؛ و بهمین دلیل سروصدای عجیبی در تمام دنیا برپا ساخت و همه حوادث مملکت ما را تا مدتی تحت الشعاع خود قرارداد . و میبایست هم چنین باشد ؛ ما تا مدتی عزادار و داغدار بودیم زیرا هزاران نفر از برادران عزیز مسلمان خود را در این حادثه دلخراش از دست دادیم ؛ عده ای وظیفه دینی و انسانی خود را در این جریان انجام دادند ولی عده دیگری هم نشستند و تماشا کردند که فعلا نمیخواهیم درباره آنها صحبت کنیم . موضوعی که با توجه بخیبر بالا لازم میدانیم مورد بحث قرار دهیم اینست که در این مملکت گاهی حوادثی روی میدهد که اثرات مرگبار آن بدرجات از زلزله قزوین خطرناکتر و نکبت بارتر است ولی با کمال تعجب همه در برابر آن خاموش و ساکتند .

آثار همین بی بندوباری اخلاقی که امروز همه طبقات اجتماع ما را فرا گرفته ؛ همین دزدیهای کلان ؛ جنایات گوناگون ، تجاوزها و تعدیها ، شهوت رانیهای بی حساب که کشور ما را تا سرحد ورشکستگی « اقتصادی » و اخلاقی ، پیش برده از آثار زیان بخش هر زلزله ای بیشتر است .

مگر این بی بندوباری اخلاقی هر ساله عده زیادی از مردم این آب و خاک را بوسیله جنایات و آدمکشیها و تجاوزها و مواد مخدره در کام خود فرو نمیکشد ؛ چقدر جوانهای بیگناه و اطفال معصوم طعمه این بی بندوباری اخلاقی میشوند ، و چه خانوادههایی که در این راه از هم متلاشی شده و برای همیشه از بین میرود ؛ و چه افرادی فریب خورده ای که بر اثر اعتیاد بمواد خطرناکی مانند « هروئین » با مرگ دست بگریباندند

از نظر خسارات اقتصادی ؛ زیانهای که از این رهگذر دامگیر مملکت ما شده و میشود از هر زلزله خطرناکی بطور قطع بیشتر است . مگر در صفحات روز امما نخواهند یک تنها در یک اداره ؛ از ادارات متعدد ، يك وزارت خانه ؛ از وزارت خانه های متعدد مملکت ما ؛ یعنی « اداره راه آهن » يك قلم دزدی چهار صد و هفتاد ملیون تومانی (۴۷۰۰۰۰۰۰۰) کشف شده است .

معروف است که در سالهای اخیر بیش از هشت هزار ملیون تومان (۸۰۰۰۰۰۰۰۰) کمک خارجی باین کشور شده که معلوم نیست بکجا رفته است ؛ هر روز سروصدای محاکمه تازه ای مربوط بسوء استفاده های کلان در صفحات جرائم برآه میافتد . مگر اینها نتیجه همان بی بندوباری اخلاقی نیست ؟ .

نکته قابل توجه اینجاست که قهرمان تمام این میدانها و عامل اصلی این بدبختیها همین تحصیل کرده ها و درس خوانده های مملکتند ؛ و الا آن دهاتی بیسواد و آن کارگر بیچاره جز اینکه برای يك نان « بخور و نمیر » شب و روز کوشش کند کار دیگری ندارد . آیا اگر تحصیل کرده های ما از يك تربیت صحیح برخوردار بودند ، بخدا و روز جزا ایمان و اعتقاد را سرخ داشتند ؛ بیکه سلسله مبادی اخلاقی پای بند بود ندر گزند دست چنین جنایتها میزدند ؟ اینها چرا اداری چنین تربیت نیستند ؟ برای اینکه مربی صحیحی نداشته اند ؛ و در عوض

وسائل فساد اخلاق که میدانید و میدانیم برایگان در اختیار آنها بوده است .

تازه رجال فعلی ماتر بیت یافتگان محیطی هستند که نسبتاً از محیط اجتماعی امروز سالمتر بوده است ، وای بروزی که جوانان امروز و تربیت یافتگان این محیط بروی کار آیند !

در خیر بالا ملاحظه فرمودید که بعضی از دمر بیان دانشگاه ، چه سؤالات آموزنده و پرمفروعالی برای آزمون میزان اطلاعات عمومی دانشجویان از آنها نمودند ، راستی آفرین باین طرز تعلیم و تربیت ؛ آفرین ! ! ! . . .

شمارا بخدا قسم فکر کنید این سؤال : « از کدامیک از شماره های سینما خوشتان می آید ؟ » ، درمراج آن دسته از دخترانی که با آخرین مدلباس و آرایش مو و یسرانی که با پیراهنهای رنگارنگ « زنانه » ، در جلسه امتحان حاضر میشوند چه اثر نکبت باری دارد ؟ و در برابر این سؤال : « آیا از اشکالاتی که در آزادی معاشرت دختران و پسران وجود دارد ناراحت هستید ؟ » چه وضعی بخود خواهند گرفت ؛ آیا صحیح است که دانشگاه یک مملکت که باید سرچشمه تمام فضائل اخلاقی باشد قمار را بصورت یک کار عادی برای جوانان جلوه دهد و در مقام مقایسه آن با تلویزیون و رادیو بر آید ؟

خدایا خودت بحال این اجتماع مفلوک ، این جوانان بیگناه ، باین مر بیان گمراه ، رحم کن ؛ راستی چشم همه فرهنگ دوستان باین طرز تربیت روشن .

مایقین داریم که در محیط فرهنگ و دانشگاه ؛ مردان دانشمند و با ایمان و صالح و با فیلتی هستند که وجود آنها مایه افتخار محافل علمی ماست ؛ ولی در این موضوع هم تردید نداریم که وجود آن دسته از مریبانی که نمونه افکارشان همان سؤالات بالاست کافی است که فرهنگ و دانشگاه را لجن مال کند .

ما از اساتید با فضیلت و با ایمان دانشگاه جداً خواهش میکنیم درباره اینگونه مسائل سهل انگاری نکنند ؛ نگذارند دامان حیثیت دانشگاه بدست این افراد آلوده و ناپاک لکه دار شود . این افراد گمراه را از ساحت مقدس دانشگاه طرد کنند ؛ دانشگاه مرکز حساسی است ؛ خوشبختی و بدبختی این مملکت تا حد زیادی از آنجا سر چشمه میگردد ؛ این تنها خواهش ما نیست ؛ خواهش تمام فرزادی است که بسمادت جوانها و سربلندی این کشور علاقه مندند .

باید باین دسته از مریبان گمراهی که نمونه افکارشان سؤالات بالاست حالی کنند که اینجا دانشگاه است نه استودیو فیلم برداری ؛ این مهد تربیت است نه قمارخانه .

یک تقاضا ہم از عموم مردم مخصوصاً اولیاء جوانان داریم ؛ و آن اینکه مسالہ فرهنگ و دانشگاہ را باید بعنوان یک مسالہ حیاتی تلقی کنند ، جائی کہ قوانین موجود با نھا اجازہ میدہد کہ در وضع فرهنگ نظارت کنند ؛ چرا از این موقعیت استفادہ نمیکنند ؛ درجائی کہ لازم است توضیح بخواہند باید توضیح بخواہند ، در جائی کہ لازم است اعتراض کنند باید با صدای رسا اعتراض کنند و تمقیب نمایند .

عدہ ای از افراد روشن و با ایمان را میشناسم کہ باہمیت این مسالہ حیاتی پی برده و علاوہ بر نظارتہای لازم دست بناسیس مدارس زدہ اند کہ ہم جنبہہای علمی در آن بہترین وجہی زیر نظر مہلمان ورزیدہ و با ایمان تدریس میشود ، و ہم جنبہہای تربیتی و اخلاقی اہمیت فوہی۔ العادہ دادہ میشود ؛ بطوریکہ شاگردان این مدارس با شاگردان سایر مدارس تفاوت روشنی در ہر دو قسمت دارند ،

نگارندہ چندی پیش در «ہشہد» از یکی از این نوع دبیرستانہا کہ بنام «دبیرستان علوی» بود دیدن کرد ، بقدری شاگ دان این مدرسہ خوب تربیت یافتہ بودند کہ برای ہر بینندہ ای جالب بود و انسان نسبت یافتہ جوانان امیدوار میساخت ، در میان ہمین جوانان نروس افرادی دیدہ میشدند کہ علاوہ بر تبرزد در روس کلاسی ، سخنران ماہر و نویسندہ قابلی از آب در آمدہ بودند . قرآن را بسیار خوب میخواندند ؛ در مسائل مربوط بمقائد خیلی روشن بودند ؛ از نظر اخلاقی ممتاز بودند ؛ «ور تہران» نیز دبیرستان دیگری ہمین نام (دبیرستان علوی) ہست کہ ہم از نظر قسمتہای درسی و ہم از نظر جنبہہای اخلاقی در نوع خود بسیار ممتاز است . ما انگشت روی این نمونہہای مشخص میگذاریم برای اینکہ مردم بدانند این دردہای اجتماعی ما ہمہ علاج پذیر است ؛ برای اینکہ منفی بافہا در گوشہ و کنار ہمیشہ آہ «یأس» نخوانند ؛ برای اینکہ مردم مسلمان بیدار شوند و با تشکیل این نوع مراکز فرهنگی و تربیتی ہم فرهنگ کشور را نجات دہند و ہم جوانان خود را !

بعقیدہ ما اگر مردم رشد فکری و اخلاقی کافی داشتہ باشند و بدانند تمدن با ایمان این اجتماع کمک کنند میتوانند «دانشگاہی» تاسیس کنند کہ بجای سؤال از میزان عشق و علاقہ جوانان بستارگان سینما و قمار و آزادی مہاشرت با جنس مخالف ، آنہا را پیاکی و تقوی و فضیلت سوق دہند ، ولی اگر وضع ہمین منوال ادامہ یابد روزی خواہد رسید کہ موضوع سؤالات کنکور دانشگاہ فقط و فقط مطالبی از قبیل «مقایسہ رقصہای خارجی و محلی» و «آہنگہای مختلف موسیقی» و «پستیہا و بلندییہای بدن ستارگان سینما» خواہد بود ؛ حالا این شما و این آہ ندہ مملکت و جوانان اتان .